



"راهکارهایی درباره کتابخوانی"

تألیف: پرویز عازم

کتاب هستند ولی کمبود درآمد به آنها اجازه یاری نمی‌دهد که برای دلشان کتاب بخورند. از طرف دیگر نظام آموزش و پرورش رسمی ما کم و بیش مدرک‌پرور است. به فن‌آوری، نوآوری، خلاقیت و ابتکار، دانش عملی و کاربردی اعتنایی ندارد. آموزش و پرورش باید رأس همه این امور و مولد آنها باشد. به پرورش همان‌قدر بها بدهد که به آموزش. جامعه سالم، جامعه‌ای است که ابتدایی‌ترین تا عالی‌ترین واحد آموزشی آن الزام قانونی به تأسیس و تشکیل کتابخانه داشته باشد، یعنی ایجاد کتابخانه با رعایت استانداردهای ملی فضا و مواد و منابع از ضروریات تأسیس واحد آموزشی محسوب شود. عادت به کتابخوانی از دوران کودکی پدید آید، تحصیل متکی به درس کلاس و کتاب واحد نباشد. دانش‌آموز و دانشجو و استاد بخش عظیمی از انجام امور تحصیلی و آموزشی و پرورشی را در پناه بردن و مراجعه کردن به کتاب غیردرسی کتابخانه‌های پرمجموعه، سازمان یافته و روزآمد و در دسترس، امکان‌پذیر بدانند.

در شرایط و مقتضیات جامعه امروز ما، برای پرورش مؤلفان، محققان، مصنفان و مترجمان خوب، برای تولید کتاب و مطبوعات خوب و انبوه، دولت باید سعه صدر بیشتری از خود نشان بدهد، سرمایه‌گذاری کلان را در بخش فرهنگ سرلوحه خدمات فرهنگی خود بدانند. در سرمایه‌گذاری برای تولید کاغذ، تهیه و تدارک مواد و مصالح چاپ و دستگاهها و تجهیزات مدرن چاپخانه و پرداخت پارانه به کالاهای فرهنگی از هیچ‌گونه کوشش و کمکی دریغ نکند. از این طریق شاید که هزینه تولید کتاب کمی

که به خانه باز می‌گردد اگر کسی است که در زمان خود زندگی می‌کند کتابی یا مجله‌ای را به همان‌گونه که نان و گوشت، میوه و نوشیدنی می‌آورد، باید به همراه داشته باشد. چنین جامعه‌ای همان‌طور که نان روزانه می‌خواهد به کتاب و مطبوعات روزانه نیاز پیدا می‌کند.

جامعه کتابخوان و اهل مطالعه، مردم ادب‌دان، ادب دوست به بار می‌آورد، مؤلف، مفسر، مترجم، محقق در دامن خود می‌پروراند. بازده کار این مردم غیر از کتاب چه می‌تواند باشد. کتاب از کتاب تغذیه می‌کند، کتاب خوب تولید می‌شود، کتاب زیاد چاپ می‌شود، چرا که جامعه به آن نیاز دارد. کتاب یکی از مصارف عمده برآورده کردن اشتهای صاف مردم می‌شود. ما در عرصه ادبیات، باید از فقر بیرون بیاییم. همچنان که با رگ و پوست احساس کرده‌ایم باید که از فقر اقتصادی و توسعه خارج شویم، باید در آوردگاه ادبیات انسانهای اندیشمند و آزاد و عاشق داشته باشیم، به آنها فرصت و مهلت بدهیم با فکر و آزادی و عشق خود دست و پنجه نرم کنند و بیافرینند. ما امروز برای جامعه ۶۰ میلیونی خود چه تعداد نویسنده، مترجم و پژوهشگر خوش فکر، خوش حال و راضی و عاشق و ادب‌پیشه داریم. می‌توان گفت در میدان‌گاه ادب و فرهنگ و دانش فقیریم، فقر هم همیشه از خودش خرج می‌کند و بار و بر ندارد. در این میان فقر مادی و درآمد زیرخط فقر اکثریت خانوارها، کمک می‌کند تا سید خرید کتاب و مطبوعات خانواده‌ها همیشه خالی بماند. این جانب به مقتضای حرفه خود بسیاری از مردم را می‌شناسد که با تمام وجود علاقه‌مند به خرید

اولین و مؤثرترین عامل رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی و به تعبیری اقتصادی، داشتن جامعه‌ای اهل کتاب و اهل مطالعه است. دستیابی به چنین جامعه‌ای به برنامه‌ریزی هدفمند و آزموده و استمرار آن نیازمند است، یعنی برنامه‌های آموزش رسمی و غیررسمی نظام آموزش و پرورش، نقش اساسی در فراهم آوردن جامعه کتابخوان به عهده دارند. این کافی نیست که مراکز آموزش ابتدایی و راهنمایی و متوسطه و عالی فقط در فکر دادن آموزش رسمی و مدرک به اصطلاح فارغ‌التحصیلی در هر مقطع باشند. آن‌گاه که پرورش فکر و روح و جان نیز در محتوای آموزشی جایگاه ویژه خود را داشته باشند، هیچ کس از مدرسه فارغ‌التحصیل نمی‌شود، همیشه باید بیاموزد، پرورش یابد، زگهواره تا گور دانش، معرفت، آگاهی، آزادی و عشق بجوید. جامعه‌ای این‌سان، به کتاب و مطبوعات نیاز واجب دارد، مطالعه و آگاهی نان شبش به حساب می‌آید، تا آن روز به قدر کافی مطالعه نکند و کتاب نخواند سیر نمی‌شود و شب به خواب راحت نمی‌رود، کتاب خواندن عادت روزانه در فرصت مناسب و عادت شبانه در خلوت می‌شود. کتاب یک خوراک است و آن هم خوراک روح و عقل و اندیشه، یک دارو است و آن هم داروی دردها و بیماریهای فردی و اجتماعی، البته اگر مسموم باشد و عوضی، خطر مرگ هم دارد. خانه یک لانه نیست که سرپناهی باشد و نان و آبی، بلکه یک واحد اجتماعی کوچکی است که به خوراک فکری نیز نیاز حیاتی دارد. کتاب امروز یک ماده خوراکی روزانه و جزئی از مایحتاج عمومی خانواده‌هاست و هر



کاهش یابد و گروههای متوسط جامعه قدرت خرید کتاب پیدا کنند و به فروش بیشتر کتاب بیانجامد.

پدیدآورنده هر نوع کالای فرهنگی باید با خاطری جمع و فکری آزاد و دلی پرعشق برای خدمت به فرهنگ و دانش و آگاهی جامعه به تحقیق و تدقیق و تألیف بپردازد و برطبق نیازهای روز جامعه حرکت کند و تلاش و کوشش خود را از سر اخلاص در اختیار بگذارد. بنابراین باید مطمئن باشد که فرزند دلبنش در مبادی مختلف گیر نمی‌کند تا پیر شود و خود و کتابش از شادابی و نشاط و تازگی بیفتند. سخن آخر در این مقوله این که ضوابط چاپ و زمان تشریفات قانونی آن به حداقل برسد.

پس از انتشار کتاب خوب و فراوان، نوبت به پخش و توزیع سریع به مراکز فروش و کتابفروشی‌های سراسر کشور می‌رسد. امروزه نظام اطلاع‌رسانی سریع یکی از شرایط ضروری رشد و توسعه فرهنگی است یعنی کالای فرهنگی باید خیلی زود به بازار عرضه شود و همزمان رسانه‌های جمعی به معرفی و نقد و بررسی آن بپردازند. کتابی که در تهران امروز پشت شیشه کتابفروشی به نمایش گذاشته می‌شود، همان روز باید در دورترین نقطه کشور به نمایش در آید. رادیو و تلویزیون و سینماها و اماکن عمومی، در این میان، نقش حساسی برعهده دارند. برنامه‌های کوتاه‌مدت ولی مکرر و به صورت روزانه و در بزرگراههای مختلف و در انواع رسانه‌های همگانی باید به معرفی کالاهای فرهنگی آن هم به صورت رایگان - بپردازند. این نقش کم رنگی که غالباً به برنامه‌های رادیو و تلویزیون در مطالعه کتاب نسبت می‌دهند باید برطرف شود. جامعه‌شناسان معتقدند که اغلب برنامه‌های رسانه‌های جمعی اوقات فراغت مردم را از آنها می‌گیرد و به پای رادیو و تلویزیون می‌کشاند به علاوه تأثیر آنها مقطعی است و به

اندازه کتاب ماندگار و آموزنده و اثرگذار نیست. ایران یکی از جوان‌ترین کشورهای جهان است. چهل و چهار درصد از جمعیت آن زیر ۱۶ سال سن دارند. حرکت و پویایی و نیاز در چنین جامعه‌ای باید بالا باشد. برآوردن نیازهای آموزشی و پرورشی اجتماعی و فرهنگی این جمعیت جوان ساده و سهل نیست، برنامه هدفمند و سازنده و بالنده می‌خواهد، بودجه کلان نیاز دارد، انسانهای مخلص، متعهد و متخصص و دلسوز می‌خواهد. کتاب که یکی از کالاهای فرهنگی معتبر و بنیادی برای متحول سازی به شمار می‌رود باید ارزان و راحت و آسان در دسترس جوانان قرار گیرد. امروز باید قدرت خرید جوانان را با ارزانی و فراوانی کتاب، با ایجاد درآمد کافی برای خانواده‌ها بالا ببریم، در غیر این صورت به ایجاد و تأسیس و تشکیل کتابخانه‌های عمومی بزرگ و کتابخانه‌های عمومی کوچک و شعبه به فاصله یک تا سه کیلومتری شهرها و روستاها همت گماریم به شرط این که مجموعه این کتابخانه‌ها پر و پرچین و تازه و روزآمد باشد.

پدران و مادران را از طریق رسانه‌های جمعی، مطبوعات، آموزش‌های گروهی به مسئولیت‌هایشان نسبت به فرزندان آگاه سازیم. ایشان باید به هر طریق در زندگی روزمره خود وقتی برای خواندن و مطالعه اختصاص بدهند.

فرزندان الگوپذیرند، از اشخاص بزرگتر و مورد احترام خود با دیدن آنها در حال مطالعه کتابها و مجله‌ها به مطالعه علاقه‌مند می‌شوند. فرزندان به انگیزه درونی نیازمندند و این انگیزه و رغبت به کتابخوانی در آنها پیدا نمی‌شود مگر پدران و مادران، خود کتاب به دست بگیرند و بخوانند. دولت در ایجاد و گشایش کتابفروشی در محله‌های تهران و شهرستانها و دهکده‌ها یا جایگاه‌های کتابفروشی و عرضه کتاب در روستاها تسهیلات بسیار قائل شود، با پرداخت یارانه به شبکه توزیع و پخش کتاب و با مسئولیت‌پذیری بخش دولتی برای توزیع کتاب به اقصی نقاط کشور تسهیلات و امکانات سخاوتمندانه ایجاد کند.

بالاخره این نکته قابل ذکر است که کتاب در میان گروههای تحصیل کرده جامعه - به شرط این که زیاد گران نباشد - به طور طبیعی رواج دارد. ما باید کتابخوانان را از میان گروهها و توده‌های وسیع جامعه که سروکارشان بیشتر به گذران زندگی است پیدا کنیم. ایجاد امکانات مادی، شرایط مناسب زندگی، عدالت اجتماعی و تأمین خواسته‌های به جای آنهاست که فرصت مطالعه و خرید کتاب به آنها می‌دهد و این استقبال جمعی است که عامل تأثیرگذار در بالا رفتن فرهنگ عمومی و آگاهی‌های فردی و اجتماعی به شمار می‌آید.

